

گزارش نشست تخصصی  
«وظایف، الزامات و نقش نهادها و دستگاه‌های اقتصادی  
داخلی در پیشبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا»

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی  
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۴۴۳۵  
شهریورماه ۱۳۹۴

## به نام خدا

## فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	مشروح نشست
۱۳.....	پرسش و پاسخ
۱۸.....	جمع بندی



## گزارش نشست تخصصی «وظایف، الزامات و نقش نهادها و دستگاه‌های اقتصادی داخلی در پیشبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا»

### چکیده

سیاست خارجی ابزاری برای تقویت اقتدار و جایگاه کشور در نظام بین‌الملل است. این درحالی است که در عصر حاضر اقتصاد یکی از عناصر اصلی اقتدار کشورها محسوب می‌شود. ارتباط میان اقتصاد و سیاست خارجی باید به‌گونه‌ای برقرار شود که توسعه و پیشرفت ملی را به همراه داشته باشد. در این میان نهادها و دستگاه‌های اقتصادی داخلی وظایفی را برای برقراری این ارتباط برعهده دارند. برای مثال می‌توان به سازمان توسعه تجارت ایران و اتاق بازرگانی ایران اشاره کرد که از جمله دستگاه‌های اقتصادی داخلی هستند که نقش بسیار مهمی در پیشبرد تجارت خارجی برعهده دارند و باید همکاری تنگاتنگی با وزارت امور خارجه داشته باشند. طراحی نقشه راه تعاملات اقتصادی با کشورهای هدف و هدف‌گذاری در آن کشورها، ارتباط با تشکل‌های اقتصادی و تجاری و تبادل نظر درخصوص صادرات و واردات کالا، ترانزیت، فعالیت‌های معدنی، حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط و در کنار آنها ایجاد شرکت‌های بزرگ صادراتی، هدایت سرمایه‌گذاری از خارج به داخل کشور در چارچوب سیاست‌های موجود و اعزام هیئت‌های اقتصادی و رایزن‌های بازرگانی به‌منظور توسعه روابط تجاری با کشورهای دیگر از جمله وظایف و الزاماتی است که برعهده این قبیل سازمان‌هاست.

این گزارش حاصل نشست تخصصی است که در آن به برخی از وظایف و کارویژه‌های نهادهای اقتصادی داخلی پرداخته شده است. علاوه بر مطالب فوق مهم‌ترین نکات مطرح شده در این نشست شامل موارد ذیل می‌شود:

- استفاده از تجربه کشورهای دیگر در فرآیند توسعه و شناسایی بخش‌های اولویت‌دار آینده براساس مزیت‌های رقابتی (مانند کشور کره جنوبی)؛
- ضرورت صادرات کالاهای دانش‌بنیان که از ارزش‌افزوده بالایی برخوردار هستند؛
- تلاش برای توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط کنونی با توجه به استقبال و تمایل بسیاری از شرکت‌های خارجی و عمدتاً اروپایی برای سرمایه‌گذاری در کشورمان؛
- سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و همچنین الحاق به WTO؛

- رقابت‌پذیری بخش خصوصی در محیط رقابتی شفاف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول در فرآیند

توسعه؛

- عدم تصدیگری دولت، تقویت بخش خصوصی، ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذار بزرگ اقتصادی سودده، سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بخش تولید کشور، اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار به‌منظور بالا بردن فضای رقابت با کشورها، ایجاد جو همکاری میان سفارتخانه‌های کشور و تجار ایرانی و در نهایت پیگیری مباحث اجرایی به‌عنوان ابزارهایی برای توسعه اقتصادی؛

- توجه به این مسئله که مذاکرات سیاسی با کشورهای دیگر در نهایت باید به انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری مشترک خارجی و سرانجام تقویت بخش تولید در کشور بیانجامد؛

- تأکید ویژه بر مدیریت انتظارات در شرایط پساتحریم، بررسی تأثیر شرایط پساتحریم بر سیاست‌های کلان اقتصادی کشور، تعیین اولویت‌های روابط اقتصادی کشور در شرایط پس از تحریم مانند الحاق به سازمان تجارت جهانی، پیشگیری از ظهور و بروز مفاصد اقتصادی، توجه به رویکرد شرکای خارجی و علاقمند به کار، توجه به رویکرد فناوری‌محور و سرمایه‌محور با شرکا و جلوگیری از اقدامات اقتصادی پراکنده و بخشی؛

- برقراری ارتباط منسجم و منظم بین نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط اقتصادی داخلی با کشورهای مختلف در قالب تفاهمنامه یا قوانین مصوب؛

- سیستمی شدن برنامه‌های اقتصادی کشور و عدم اتکا به شخص یا نهادی خاص.

## مقدمه

امروزه الزامات اقتصادی ایجاب می‌کند که میان عناصر اقتصاد ملی با اقتصاد بین‌المللی پیوند منطقی برقرار شود. طبعاً برقراری این پیوند باید در راستای تقویت و پیشرفت اقتصاد داخلی صورت پذیرد. در همین راستا، سیاست خارجی در عصر حاضر تا حدود زیادی در خدمت اهداف توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد. از همین رو سیاست‌های کلان کشور باید به‌گونه‌ای سامان یابد که هماهنگی و همسویی کاملی میان سیاست خارجی و اقتصاد ملی برقرار گردد. در دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه به اهمیت ایجاد تناسب و هماهنگی میان این دو رکن اساسی پی برده‌اند و کشورهایی نظیر ترکیه، برزیل، مالزی، سنگاپور، هند و چین در این راستا اقدامات قابل توجهی داشته‌اند.

از آنجا که سیاست خارجی در پیوند نزدیک و دوسویه با سیاست داخلی و در تعامل با آن قرار دارد، در کنار طرح‌ریزی روابط خارجی کارآمد در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، برای تحقق اهداف کلان ملی، ایجاد تعاملی هم‌افزا میان دو سطح داخلی (ملی) و خارجی (بین‌المللی) ضروری است تا بتوان منابع، امکانات و فرصت‌های توسعه اقتصادی را در سایه ثبات محیط خارجی کشور فراهم کرد.

با توجه به اهمیت این موضوع گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های



مجلس در راستای استراتژی سال جاری خود در زمینه ترویج و تقویت سیاست خارجی توسعه‌گرا که با هدف ارتقای کارکرد اقتصادی سیاست خارجی کشور در حال انجام است، سلسله نشست‌های تخصصی را با محوریت مباحث دیپلماسی اقتصادی با حضور برخی مسئولین و کارشناسان حوزه‌های بازرگانی، سیاست خارجی و ... برگزار کرده است. این گزارش حاصل نشست تخصصی با موضوع «وظایف، الزامات و نقش نهادها و دستگاه‌های اقتصادی داخلی در پیشبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا» است که در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۹۴ در مرکز پژوهش‌ها برگزار شده است. شرکت‌کنندگان در این نشست عبارت بودند از: دکتر ابوطالب بدری (معاون سازمان توسعه تجارت ایران)، آقای فرشچی (مدیرکل آسیا و اقیانوسیه اتاق بازرگانی ایران)، آقای شیرغلامی (مدیرکل اداره اقتصاد وزارت امور خارجه) و دکتر میرقاسم مؤمنی (مدیر مؤسسه پژوهشی و مطالعات چشم‌انداز ابرار نوین). متن ذیل مشروح گزارش این نشست است.

### مشروح نشست

**ابوطالب بدری (معاون سازمان توسعه تجارت ایران):** سازمان توسعه تجارت یکی از نهادهای اقتصادی داخلی است که نقش مهمی در توسعه تجارت خارجی برعهده دارد. رویکرد دولت یازدهم نیز در عرصه سیاست خارجی مبتنی بر توسعه‌گرایی است. در همین راستا جناب آقای ظریف وزیر امور خارجه کشورمان همواره در مصاحبه‌ها این مسئله را مطرح می‌کند که اقتصاد باید در اولویت قرار گیرد. لازمه داشتن رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی نیز ارزیابی عملکرد سفارتخانه‌ها و سفرا براساس نتایج اقتصادی و تجاری‌شان است و این مسئله نیازمند تعامل دستگاه‌های اقتصادی مانند سازمان توسعه تجارت با وزارت امور خارجه است.

### – سازمان توسعه تجارت

در ابتدا مقدمه‌ای در مورد سازمان توسعه تجارت و وظایف آن بیان کرده، سپس به اهدافی که از ابتدای دولت یازدهم در این سازمان دنبال شده است می‌پردازیم. **این سازمان در حال حاضر با توجه به سیاست‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و تحت نظارت مستقیم وزیر، تولیدمحوری را در اولویت اقدامات خود قرار داده است.** آقای افخمی رئیس سازمان توسعه تجارت نیز با توجه به سابقه‌ای که در بخش صنعت دارد، همین هدف را دنبال می‌کند. هم‌اکنون این سازمان به دنبال اجرایی کردن توافقات امضا شده با کشورهای خارجی از طریق تعامل با سفرای کشورهای خارجی در ایران است، اقدامی که در سال‌های گذشته مغفول واقع شده بود.

در مورد ساختار سازمان توسعه تجارت می‌توان گفت که این سازمان دو معاونت اصلی دارد که شامل موضوعات درون‌مرزی و برون‌مرزی می‌شود. از جمله وظایف برون‌مرزی این سازمان تشکیل

کمیسیون‌های مشترک، اعزام هیئت‌های اقتصادی و اعزام رایزن‌های بازرگانی است.

### – تدوین نقشه راه مناسبات تجاری با کشورهای دیگر

یکی از مهمترین مسائلی که در حال حاضر سازمان توسعه تجارت ایران در صدد انجام آن است، طراحی نقشه راه مناسبات با کشورهای هدف است. در این نقشه راه براساس شاخص‌های متعدد، کشورهای همسایه دارای اولویت تجارت با ایران بوده و در حلقه اول قرار دارند. در این زمینه سازمان توسعه تجارت با اتاق بازرگانی، وزارت امور خارجه، تشکل‌های اقتصادی و به‌ویژه تجاری که در کشورهای هدف در حال فعالیت هستند و از نزدیک مسائل و مشکلات را شناسایی کرده، به تبادل نظر درخصوص صادرات و واردات کالا، ترانزیت، فعالیت‌های معدنی و ... به‌منظور ترسیم نقشه راه و هدف‌گذاری در آن کشورها می‌پردازد و نتایج را در اختیار رایزن‌های بازرگانی قرار می‌دهد. بدین منظور نمودارهایی برای کشورهای مختلف که در حدود ۳۰ کشور هستند، از جمله ازبکستان، ونزوئلا، پاکستان و ... طراحی شده که در آن نمودارها صادرات ایران به آن کشورها بررسی و با واردات آنها از دیگر نقاط جهان مقایسه‌ای صورت گرفته است. این شیوه بررسی مشخص خواهد کرد که با توجه به ساختار واردات آن کشورها، ما در چه زمینه‌هایی و چه نوع کالاهایی پتانسیل صادراتی به آنها را داریم. سپس در نظرخواهی که از نهادها و تجار مختلف به‌عمل خواهد آمد مشخص می‌شود که در چه زمینه‌هایی و در کدام بخش‌ها و ساختارها چه اقداماتی باید صورت گیرد. برای مثال در افغانستان باید بر روی فعالیت‌های معدنی و معادن سرمایه‌گذاری کنیم. به عبارتی، بخش‌های اولویت‌دار این کشورها و نیز پتانسیل‌های تولید و صادرات خودمان مشخص می‌شود. این شیوه، نوعی ایده اولیه به ما می‌دهد که در ترسیم نقشه راه مؤثر خواهد بود. سپس این برنامه به رایزن‌های بازرگانی که طی مراحل خاصی انتخاب شده‌اند و در حال اعزام به کشور هدف هستند، ارائه می‌شود. در مرحله آخر اعزام رایزن بازرگانی، وی ملاقاتی با وزیر صنعت و معدن خواهد داشت و برنامه‌ها و هدفگذاری‌هایش را با وی در میان می‌گذارد. در نتیجه رایزن‌ها، با برنامه مشخص و مدون وارد کشور هدف می‌شوند.

### – استفاده از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه توسعه

از آنجایی که حوزه مطالعاتی بنده کشور کره جنوبی بوده است، به‌نظر می‌رسد تجربه این کشور در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مفید و بسیار حائز اهمیت باشد که چگونه توانست بخش‌های اولویت‌دار خودش را تشخیص دهد و براساس آن عمل کند. در اوایل دهه ۱۹۶۰ از یکی از اساتید دانشگاهی، که بعدها بانی توسعه صنعتی کره شد، نظرخواهی صورت گرفت که این کشور باید بر روی چه بخش‌هایی سرمایه‌گذاری کند. وی چند حوزه را مدنظر قرار داد که در آن زمان کره وضعیت چندان مناسبی در آن زمینه‌ها نداشت، برای مثال کشتی‌سازی و فولاد از جمله این حوزه‌ها بود که وی آنها را مطرح کرد.



این فرد دانشگاهی عنوان می‌کرد که ما به دنبال رقابت در بخش‌هایی هستیم که در آینده مزیت‌دار محسوب می‌شوند. این درحالی است که کره در آن زمان حتی مواد اولیه صنعت فولاد را نداشت و باید با ۵۰۰۰ مایل فاصله و با هزینه بالا از استرالیا این محصول را وارد می‌کرد، به‌علاوه از هیچ‌گونه مزیتی در صنعت کشتی‌سازی نیز برخوردار نبود، اما نکته قابل توجه این است که اکنون کره در صنعت کشتی‌سازی رتبه یکم را دارد و در صنعت فولاد جزء چهار کشور اول جهان است. با توجه به موفقیت کره جنوبی در اقتصاد بین‌الملل به نظر می‌رسد که ایران می‌تواند از تجربه این کشور و سایر کشورهای موفق به نحو شایسته‌ای استفاده کند.

### – صادرات کالاهای دانش‌بنیان

یکی از مواردی که لازم است مورد توجه ویژه قرار گیرد، صادرات کالاهای دانش‌بنیان است. بنده مطالعاتی را طی ۱۰ الی ۱۵ سال گذشته در مورد کالاهای دانش‌بنیان انجام داده‌ام که هم‌اکنون با همکاری مرکز فناوری ریاست‌جمهوری در حال اجرایی شدن است. در این پژوهش پیشنهادهایی درخصوص اینکه چگونه می‌توان کالاهای با ارزش‌افزوده بالا صادر کرد، مطرح شده است. لازم به‌ذکر است که قیمت متوسط یک تن کالای صادراتی در کشور ما عمدتاً در حدود ۴۷۰ دلار است، درحالی که قیمت کالاهای دانش‌بنیان که تقریباً ۱۲۰۰ نوع هستند به‌طور متوسط بین دو الی سه هزار دلار یعنی حدود ۱۰ الی ۱۵ برابر قیمت متوسط کالاهای صادراتی است. بنابراین سرمایه‌گذاری روی صادرات کالاهای دانش‌بنیان دارای ارزش‌افزوده بالایی خواهد بود. پیشنهادهایی نیز در این خصوص مطرح شده است؛ ازجمله این پیشنهادهای بحث قابلیت تبدیل این کالاها با توجه به تجربه کشورهای دیگر است. به‌علاوه می‌توانیم مزیت‌هایی را برای شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد کنیم و دولت شرکت‌هایی را که بتوانند برای صادرات کالاهای دانش‌بنیان، LC (اعتبار اسنادی) از خارج بیاورند، ۸۰ یا ۹۰ درصد آن اعتبار را تأمین کند. این تجربه در کشورهای دیگر آزموده شده و شرکت‌های دانش‌بنیان در این زمینه اقدامات بسیاری انجام داده‌اند، برای مثال آنها توانسته‌اند با ابزارهای مختلف بازاریابی، برگزاری نمایشگاه‌ها، ارتباطات مستقیم هیئت‌های تجاری، اعتبار اسنادی بسیاری کسب کنند.

### – ایجاد شرکت‌های بزرگ سرمایه‌ای

حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط یکی دیگر از وظایف سازمان توسعه تجارت است، اما پیشنهادی که در اینجا مطرح می‌شود ایجاد شرکت‌های بزرگ صادراتی در کنار حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط است. در این زمینه نیز تجربه کشور کره جنوبی قابل توجه است که شرکت‌های بزرگ صادراتی همچون سامسونگ، ال‌جی، هیوندا و ... نیز در راستای همین تفکر وارد شبکه بازارهای جهانی شدند. بنابراین ما می‌توانیم از طریق ایجاد شرکت‌های سرمایه‌ای بزرگ، شرکت‌های

مدیریت صادرات ایجاد کنیم. این موارد از جمله اقداماتی است که در دستور کار سازمان توسعه تجارت قرار دارد.

### – کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و بازرگانی با کشورهای دیگر

طی سال‌های گذشته حدود ۶۰ کمیسیون مشترک اقتصادی با کشورهای مختلف تشکیل شده که برحسب موضوع آنها میان وزارتخانه‌های مختلف تقسیم شده است. سهم وزارت صنعت، معدن و تجارت ۱۲ کمیسیون مشترک است. در این کمیسیون‌ها برخلاف گذشته ما براساس برنامه پیش می‌رویم، ابتدا کالاها و سپس زیرساخت‌ها بررسی می‌شود و همه موارد به‌صورت جداگانه پیگیری و مشکلات موجود در حوزه اجرایی حل می‌شود. برای مثال جلسات متعددی برای بخش ونزوتلا تشکیل و در آنها پروژه‌های متعددی مطرح شده است، اما متأسفانه اکثر آنها با مشکل مواجه شده‌اند که درصدد هستیم مسائل را از نزدیک و از طریق سفیر این کشور حل‌وفصل کنیم.

### – اعزام رایزن‌های بازرگانی

لازم به‌ذکر است که فرآیند انتخاب و اعزام رایزن‌های بازرگانی سازمان توسعه تجارت برخلاف گذشته براساس تعامل کامل با وزارت امور خارجه و از طریق آزمون‌هایی در سطح بالای زبان انگلیسی صورت می‌گیرد. در حال حاضر سازمان توسعه تجارت در سه کشور عراق، افغانستان و لبنان شعبه دارد اما شعبات این سازمان در کشورهای دیگر در سفارتخانه‌ها مستقر هستند. در مجموع در مورد نحوه تعامل سازمان توسعه تجارت با وزارت امور خارجه می‌توان گفت در حال حاضر در همه حوزه‌ها به‌ویژه اعزام کارشناسان و رایزنان بازرگانی با این وزارتخانه هماهنگ هستیم.

### – جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از مهمترین مؤلفه‌های توسعه صادرات است. اما متأسفانه در ساختار سازمان توسعه تجارت، بخشی برای سرمایه‌گذاری در حوزه صادرات پیش‌بینی نشده و یک سازمان مستقل به‌عنوان سازمان جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. این در حالی است که در همه سازمان‌های هم‌ردیف سازمان توسعه تجارت در سطح جهان، ساختاری به نام جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای تولیدات صادراتی وجود دارد. در حال حاضر ما در حال پیگیری برای ایجاد این ساختار هستیم زیرا مهمترین نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. خوشبختانه در ماه‌های اخیر و پس از توافق لوزان، هیئت‌های تجاری خارجی عمدتاً از کشورهای اروپایی برای سرمایه‌گذاری به ایران سفر کرده‌اند و بهره‌گیری از فرصت‌های به‌وجود آمده از آن به‌دلیل وجود آثار ناشی از بحران مالی ۲۰۰۸ تاکنون و همچنین کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اروپا، حائز اهمیت ویژه‌ای است.





## – استفاده از فرصت‌های موجود در حوزه‌های مختلف

فرصت‌های فراوانی برای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، پالایشگاه‌ها و در بخش نفت و گاز، همچنین در مناطق آزاد وجود دارد. لازم به توضیح است که در کشور ما قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق تجاری یکی از پیشرفته‌ترین قوانین و مقررات در منطقه است که البته لازم است نسبت به عملکرد این قوانین نیز توجه ویژه‌ای شود و تسهیلاتی برای این امر ایجاد گردد. در حال حاضر یکی از برنامه‌های مهم و اساسی سازمان توسعه تجارت، پیگیری الحاق به WTO است.

### آقای فرشچی (مدیرکل آسیا و اقیانوسیه اتاق بازرگانی ایران)

آقای دکتر بدری ابهامات و نقطه نظرات سازمان توسعه تجارت، همچنین راهکارها و اقدامات لازم برای توسعه صادرات را به صورت عملیاتی و میدانی در راستای الزامات و نقش نهادها و دستگاه‌های اقتصادی داخلی در پیشبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا عنوان کردند. در ادامه لازم به توضیح است که تجارت یکی از بهترین و کاربردی‌ترین ابزار در سیاست خارجی توسعه‌گراست. تجار و بازرگانان همواره یکی از ارکان توسعه و گسترش روابط بین‌الملل و به دنبال آن توسعه روابط فرهنگی و سیاسی کشورها بوده‌اند و در این میان بازرگانان ایرانی نقش پررنگ‌تری در تاریخ ایفا کرده‌اند. در همین زمینه نقش اتاق ایران به عنوان عالی‌ترین نهاد بخش خصوصی، تلاش برای ترسیم نقشه راه برای این هدف است. بدین منظور در راستای سیاست توسعه‌گرایی و ایجاد مناسبات با کشورهای مختلف، لازم است در ابتدا با همکاری سازمان توسعه تجارت و هماهنگی سایر نهادها، کشورهای هدف اولویت‌بندی شود. مرحله بعد هدایت سرمایه‌گذاری از خارج به داخل است که باید مشخص شود در چارچوب اهداف کلان کشور چه اقداماتی صورت گیرد. یکی از راه‌های برقراری این ارتباطات اتاق یا شورای مشترک با کشورهای است. برای مثال اتاق مشترک بازرگانی ایران با چین، آلمان یا فرانسه و ... در توسعه روابط بسیار اهمیت دارد. در این زمینه می‌توان از اطلاعات عوامل و رایزنان آن کشورها برای توسعه روابط با کشورهای دیگر نیز بهره‌برداری کرد.

**رقابت‌پذیری بخش خصوصی** یکی از نکات مهم در توسعه اقتصادی است. اگر ما رقابت‌پذیری نداشته باشیم از یارانه‌های دولتی کسب سود می‌کنیم و این کمک دولت و یارانه باعث توسعه نیافتگی خواهد شد. بدین منظور ابزارهایی لازم است که مهمترین آن این است که دولت تصدیگری نکند بلکه حاکمیت کند. بخش خصوصی حاکمیت را بپذیرد و خود را تقویت کند.

نکته بعدی ایجاد شرکت‌های بزرگ سرمایه‌ای و اقتصادی سودآور است که سود خود را سرمایه‌گذاری کنند نه اینکه تنها به دنبال سود بوده و نقش دلال را داشته باشند، زیرا این مسئله باعث فساد در کشور خواهد شد. برای مثال بانک‌ها باید کارخانه بسازند و کار ایجاد کنند نه اینکه نقش

صرافی و دلال را ایفا کنند.

نکته بعدی اینکه مذاکرات سیاسی در همه سطوح (چه در سطح ریاست مجلس و چه وزیر امور خارجه) باید به انتقال تکنولوژی، سرمایه‌گذاری مشترک خارجی و سپس تولید منجر شود.

#### آقای شیرغلامی (مدیرکل اداره اقتصاد وزارت امور خارجه)

با تشکر از شما که جلسه‌ای را در مورد سیاست خارجی توسعه‌گرا برگزار کردید. اما بنده معتقدم چالش‌های مفهومی این مسئله در داخل کشور حل نشده باقی مانده زیرا سیاست خارجی توسعه‌گرا الزاماتی دارد. از آنجایی که سیاست خارجی از سیاست داخلی جدا نیست، توسعه‌گرا نبودن سیاست داخلی سبب می‌شود سیاست خارجی نیز نتواند توسعه‌گرا شود. ازسوی دیگر مؤلفه‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا باید تعریف و مشخص شود که آیا می‌توان آن را به‌طور عام به‌کار برد یا باید در مورد کشورهای خاصی از آن استفاده کرد. اینها چالش‌های مفهومی است که مرکز پژوهش‌ها می‌تواند در رفع آنها و نهادینه کردن مفاهیم مرتبط با آن در کشور مؤثر باشد. به‌عبارتی سخن گفتن از سیاست خارجی توسعه‌گرا سهل است، اما عمل به آن و تحقق آن ساده نیست. در حال حاضر وزارت امور خارجه روی این موضوع کار می‌کند و دستور کار اصلی خود را بر روی مباحث اقتصادی قرار داده است. مذاکرات هسته‌ای اخیر نیز که در دستگاه دیپلماسی کشور دنبال می‌شود، بیشتر محتوای اقتصادی دارد زیرا دغدغه اصلی کشور رفع تحریم‌هاست تا بتوانیم تا جایی که امکان‌پذیر است از فرصتی که در برنامه اقدام مشترک ایجاد می‌شود استفاده کرده و آنها را عملیاتی کنیم.

#### – فعالیت‌های اقتصادی ساختاری و محتوایی وزارت امور خارجه

در مورد سیاست خارجی توسعه‌گرا و رسالت اقتصادی که وزارت امور خارجه برعهده دارد و با توجه به اولویت‌های دولت یازدهم، در این وزارتخانه اقدامات خوبی انجام شده است. وزارت امور خارجه هم به‌لحاظ ساختاری و هم محتوایی تلاش‌هایی را انجام داده است. از نظر ساختاری مجموعه‌های اقتصادی وزارتخانه در دفتری با عنوان **دفتر هماهنگی و راهبرد امور اقتصادی** که به‌طور مستقیم زیر نظر وزیر مشغول فعالیت است، متمرکز شده و در آن دغدغه‌ها و مسائل مختلف اقتصادی پیگیری می‌شود. اقدام بعدی فعال کردن مجدد **ستاد هماهنگی‌های روابط اقتصادی خارجی** است که از سال‌ها پیش وجود داشت. یک اقدام دیگر حضور نمایندگان تمام وزارتخانه‌های اقتصادی و سازمان‌های ذیربط، معاونین وزیر و مدیران کل این وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌های مرتبط به‌طور منظم در وزارت امور خارجه و تشکیل جلسات کارشناسی به‌منظور هماهنگی بیشتر میان نهادهاست.



سازوکارهایی نیز در داخل وزارت امور خارجه به منظور رفع دغدغه‌های بخش خصوصی در مورد امور خارج از کشور در حال شکل‌گیری است که از جمله می‌توان به **ایجاد بانک اطلاعات اقتصادی** (زیرساخت‌های فیزیکی آن در حال ایجاد و نهایی شدن است)، **پرتال اقتصادی وزارت امور خارجه** به عنوان پنجره پاسخگویی برای مخاطبان خارجی و به منظور تسهیل امور است تا افرادی که می‌خواهند از طریق سفارتخانه‌های ما و یا سازمان‌های داخلی و بخش خصوصی با خارج از کشور ارتباطی برقرار کنند، به راحتی از این سازوکار بهره‌مند گردند.

در حال حاضر بحث اقتصاد مقاومتی که به صورت پارادایم حاکم بر اقتصاد کشور درآمده، توسط وزارت امور خارجه به طور جدی دنبال می‌شود. در این زمینه دستور کار و برنامه‌های عملیاتی تهیه شده است که در شورای اقتصاد تصویب و به سفارتخانه‌ها ابلاغ شده است. بخش زیادی از اهداف و برنامه‌هایی که در اقتصاد مقاومتی تعریف شده برنامه‌هایی است که به وزارتخانه‌های تخصصی اقتصادی مرتبط است ولی وزارت امور خارجه به‌عنوان دستگاهی که طبق قانون اساسی و برنامه‌های توسعه به‌عنوان متولی و ناظر بر روابط خارجی کلیه دستگاه‌ها شناخته می‌شود، باید نسبت به تسهیل ارتباطات و تحقق اهداف از طریق نمایندگی‌های خارج از کشور اقدام کند. البته این هماهنگی‌ها در قالب ستاد و نهادهایی مرتبط با سایر سازمان‌ها روزه‌روز در حال افزایش است.

پیش از این پیش‌بینی شده بود که در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات در چارچوب پارادایم کلان اقتصاد مقاومتی طرح‌ها و برنامه‌هایی داشته باشیم. در حال حاضر نکته حائز اهمیت این است که با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای نیز لازم است برای شرایط پساتحریم به‌طور جدی برنامه‌ریزی کرد. به‌علاوه هم به‌لحاظ ساختاری و هم محتوایی باید به این شرایط توجه شود. همچنین یکسری ملاحظات سیاسی نیز در این زمینه وجود دارد که باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

به‌طور کلی بحث **مدیریت انتظارات در شرایط پساتحریم** مطرح است که سیاست‌های کلان اقتصادی کشور چگونه باید تعریف شود؟ آیا می‌توان از دستاوردها در کنار همه آسیب‌هایی که شرایط تحریم داشته است، استفاده کرد یا به‌طور کلی باید دستورالعمل‌ها را تغییر داد؟ این مسائل باید به‌طور دقیق تعریف شوند.

### **– اولویت‌های روابط اقتصادی کشور پس از توافق هسته‌ای**

اولویت‌های روابط اقتصادی کشور در شرایط پساتحریم باید روشن و مشخص شود که از جمله **الحاق به سازمان تجارت جهانی** است که می‌تواند یکی از اولویت‌های مهم باشد. به‌علاوه **جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیشگیری از بروز و ظهور مفسد اقتصادی** از اولویت برخوردار است زیرا به‌طور یقین شرایط پساتحریم هم مانند شرایط تحریم می‌تواند بستر ساز یکسری از رانت‌ها و مفسد اقتصادی باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین باید رویکردمان را نسبت به شرکای

خارجی و شرکت‌های علاقمند به کار مشخص کرده و محورهای اقدام در این زمینه باید تعیین گردند. در این زمینه لازم است به حافظه سازمانی توجه داشته باشیم و رفتار قبلی آنها را در قبال تعهداتی که با ما داشته‌اند مورد بررسی قرار دهیم. به‌علاوه باید رویکردی فناوری‌محور و سرمایه‌محور در همکاری با شرکایی که قصد سرمایه‌گذاری دارند، داشته باشیم و اطلاع‌رسانی لازم به بخش خصوصی نیز صورت گیرد.

### – الزامات ساختاری در شرایط پساتحریم

در نهایت اینکه الزامات ساختاری در شرایط پساتحریم باید مشخص شود زیرا در این چارچوب اقدامات پراکنده و بخشی، قطعاً فرصت‌ها را به تهدید برای کشور مبدل خواهد ساخت. در این زمینه ضرورت دارد سازوکاری در سطح ملی اندیشیده شود و کانونی برای هماهنگی بین تمام دستگاه‌ها به‌وجود آید تا بتوانیم از فرصت به نحو بهینه استفاده کنیم. اما در صورتی که شرایط به تداوم تحریم‌ها منجر شود طبیعتاً سناریوی دیگری خواهیم داشت که برای آن نیز باید طراحی ویژه‌ای داشته باشیم. لازم به‌ذکر است که همه این اقدامات در دفتر راهبردهای اقتصادی وزارت امور خارجه به‌صورت عملیاتی درحال بررسی است.

نکته حائز اهمیت در اینجا این است که با توجه به جایگاهی که مجلس و مرکز پژوهش‌ها در نهادینه کردن مفاهیم و سیاست‌های کلان اقتصادی کشور دارند، می‌توانند با همکاری دیگر سازمان‌ها در نهادینه کردن مفهوم سیاست خارجی توسعه‌گرا و الزامات آن، نقش مؤثری ایفا کنند.

### دکتر مؤمنی (مدیر مؤسسه پژوهشی و مطالعات چشم‌انداز ابرار نوین)

بنده به‌عنوان یک محقق و پژوهشگر معتقدم مجلس جایگاه ویژه‌ای دارد و قوانینی که تصویب می‌کند می‌تواند در تدوین سیاست‌ها و تصویب قوانین یا رفع برخی موانع و مشکلات در حوزه تجارت خارجی برای دستگاه‌هایی مانند وزارت امور خارجه، سازمان توسعه تجارت یا اتاق بازرگانی مؤثر باشد. از این‌رو برگزاری چنین نشست‌هایی یا راهکارهایی که توسط مرکز پژوهش‌ها به مجلس ارائه می‌شود، می‌تواند آگاهی نمایندگان را در موضوعاتی که به تسهیل امور اقتصادی و تجاری کشور منجر می‌شوند افزایش دهد.

با نگاهی به تاریخ سیاسی کشورها در می‌یابیم که در صد سال گذشته کشورها براساس وسعت سرزمینی و میزان جمعیت، قدرت خود را نشان می‌دادند، اما در حدود پنجاه سال اخیر توان اقتصادی کشورهاست که نقش اساسی را در سیاست‌های خارجی، نظامی و امنیتی ایفا می‌کند. در واقع اقتصاد رکن اساسی سیاست خارجی کشورهاست. در حال حاضر منطقه خاورمیانه به‌دلیل وجود منابع طبیعی و به‌ویژه نفت، به حوزه درگیری و جنگ براساس منافع و رقابت‌های اقتصادی کشورهای قدرتمند تبدیل شده است. کودتا، تشکیل گروه‌های تروریستی، جنگ، وجود کمپانی‌های چندملیتی نفتی یا صنعتی همگی نشان‌دهنده نقش اقتصاد و تجارت در بحران‌های منطقه‌ای و جهانی است.



از سوی دیگر در شرایط کنونی جهان، کشورها نه براساس جمعیت و نه وسعت سرزمینی، بلکه بسته به نوع تجارت و توان تجاری‌شان سنجیده می‌شوند. برای مثال کویت کشوری کوچک با مساحت اندک در حاشیه خلیج فارس قرار دارد، اما در عرصه اقتصاد و صنعت توانسته است حرفی در دنیا برای گفتن داشته باشد. این مسئله نشان‌دهنده آن است که این قبیل کشورها براساس اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بلندمدت به این پیشرفت رسیده‌اند.

براساس پژوهش‌هایی که تاکنون در قالب سمینار یا جلسات و تعاملاتی که با وزارت امور خارجه و سازمان توسعه تجارت و اتاق بازرگانی داشتیم یا مواردی که از نزدیک مشاهده کردیم، به این نتیجه دست یافته‌ایم که برای داشتن رویکرد تجاری الزاماتی وجود دارد و برای تجارت ابزارهایی مورد نیاز است.

### – ابزارهای تجارت خارجی

کشوری که قصد فعالیت تجاری یا اقتصادی دارد نیاز به **اطلاعاتی** دارد که لازم است به تاجر داده شود تا وی براساس آن اطلاعات بتواند تجارت خود را به پیش ببرد. اما چالش کشور ما در اینجا این است که اولاً ما در بسیاری از کشورها **رایزن اقتصادی** که نماینده سازمان توسعه تجارت باشد، نداریم و یا اینکه رایزن‌هایی که اعزام می‌شوند توان لازم را نداشته یا با زبان کشور هدف آشنا نبوده‌اند. البته خوشبختانه در دو سال اخیر تغییراتی در زمینه گزینش رایزنان بازرگانی صورت گرفته است.

**اتاق‌های مشترک بازرگانی** به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تجارت با یک کشور هستند که می‌توانند در زمینه بازاریابی به تجار کمک کنند، اما متأسفانه کشور ما با بسیاری از کشورها اتاق مشترک ندارد و تنها تجارتی توانسته‌اند موفق باشند که خودشان رفته و بازار کشور هدف را شناسایی کرده‌اند.

با نگاهی به همسایه و رقیب تجاری کشورمان یعنی ترکیه درمی‌یابیم که این کشور چگونه توانسته است برای مثال بازار منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را که حوزه تمدنی ایران بوده یا منطقه آمریکای لاتین را از آن خود کند. در مقام مقایسه، حجم صادرات ما به کشوری مثل برزیل در سال ۱۳۹۲ هفت میلیون دلار بوده است درحالی که ترکیه در همان زمان ده میلیارد دلار به این کشور صادرات داشته است. از این رو ضرورت دارد که علت این مسئله واکاوی شود که چرا ما نتوانسته‌ایم در کشوری مانند برزیل که ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد و ششمین قدرت اقتصادی جهان است سرمایه‌گذاری کرده و در بازارهای آن حضور داشته باشیم.

مسئله مهم دیگر بحث **ارتباط میان نهادهای دست‌اندرکار با حوزه تجارت خارجی** است که لازم است سازمان‌های درگیر در تجارت چه در قالب تفاهمنامه و چه قوانین مصوب با یکدیگر ارتباط منسجم داشته باشند. در کشورهای اروپایی و یا حتی کشورهای منطقه، وزارت خارجه و سازمان‌های اقتصادی با یکدیگر تصمیم‌سازی می‌کنند. برای مثال در یک پروژه و قرارداد اقتصادی و برنامه اقتصادی هیچ‌یک از سازمان‌های درگیر، مستقل یا موازی با یکدیگر عمل نمی‌کنند. البته واضح و

روشن است که همه سازمان‌ها برنامه‌هایی را برای خود در نظر دارند، اما باید بررسی شود که چند درصد از آن برنامه‌ها محقق می‌شوند. قراردادهای و تفاهمنامه‌های اقتصادی با کشورها نیز همواره تمدید می‌شوند اما هیچ‌کدام به دلیل عدم پیگیری اجرایی نمی‌شوند. در نتیجه همه این مسائل و چالش‌ها سبب می‌شود که ما نتوانیم از امکانات به نحو مطلوب بهره‌برداری کنیم.

### – رویکرد اقتصادی

موضوع رویکرد اقتصادی در شرایط کنونی حائز اهمیت ویژه‌ای است. بحث اقتصاد مقاومتی که مورد تأیید مقام معظم رهبری و سران سه قوه است یک رکن اساسی در اقتصاد ماست. در این زمینه رشد صادرات غیرنفتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه یکی از سیاست‌های اصلی دولت، صادرات محصولات غیرنفتی است، هر چه میزان صادرات این محصولات بیشتر شود، اشتغال و ارزآوری نیز بیشتر شده و اتکا به نفت کمتر خواهد شد. این مسئله‌ای است که مورد تأیید همه سازمان‌هاست اما سؤالاتی از قبیل اینکه کالای ایرانی کجا باید صادر شود؟ کجا وارد شود؟ بازاریابی به چه نحوی باشد؟ فرهنگ صادرات به چه صورت است؟ پرسش‌هایی است که باید بررسی و به آنها پاسخ داده شوند.

مسئله مهم دیگر اینکه توان و پتانسیل‌های کشور باید شناسایی شود. سازمان مناطق آزاد اقتصادی یکی از این حوزه‌هاست. از سوی دیگر شناسایی این پتانسیل‌ها و معرفی آنها به کشورهای دیگر نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. به نظر می‌رسد کشورهای مختلف به ویژه کشورهای حوزه آمریکای لاتین آشنایی چندانی با ایران و فرهنگ آن ندارند، بنابراین با توجه به تجربیاتی که بنده در این زمینه دارم، راهکارهایی از قبیل داشتن رایزن فرهنگی در این کشورها، برگزاری هفته فرهنگی ایران، شناسایی ایران به کشورهای دیگر، ایجاد واحدهای فرعی و اقتصادی و نیز معرفی سفارتخانه‌های ایران در آن کشورها می‌توانند مؤثر واقع شوند. در این زمینه لازم است ساختارهای دیپلماسی عمومی و روابط خارجی که در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار هستند، تبلیغاتی برای معرفی کالاهای ایرانی و محصولات ایرانی انجام دهند. همچنین از آنجا که ایران با برخی کشورها براساس منافع اقتصادی رابطه دارد، لازم است این منافع رعایت شود که در این صورت می‌توان به نتایج ملموسی دست یافت. نکته قابل تأمل این است که معمولاً ما در شناسایی و بیان موضوعات و معضلات کشور خوب کار می‌کنیم اما در اجرای راهکارها و همچنین در خصوص پیگیری مسائل با مشکل مواجه می‌شویم. به‌طور معمول نهادهایی که درگیر موضوعات هستند، تنها وظایف خودشان را پیگیری می‌کنند، این درحالی است که این مسئله باید در ساختار و سیستم ایجاد شود و به شخص متکی نباشد. درحال حاضر همه دنیا به سمت سیستمی شدن درحال حرکت هستند، حتی شرکت‌های بزرگ به دلیل بالا بردن راندمان کاری و پایین آوردن هزینه‌ها با هم ادغام می‌شوند زیرا مستقل کار کردن باعث می‌شود پتانسیل‌ها پراکنده شوند.



موضوعاتی نظیر تداوم جلسات کارشناسی، نظارت بر قوانین و مقررات، همچنین نظارت بر تجارت با کشورهای دیگر حتی کشورهای دورتر، و اینکه همگان مکلف شوند در راستای منافی که دولت تبیین کرده است پیش بروند و مسائل را پیگیری کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### پرسش و پاسخ

**آقای شریفی (پژوهشگر دفتر مطالعات اقتصادی):** در اینجا لازم می‌دانم نکته‌ای را مطرح کنم و آن اینکه قبل از بحث ارتباطات و فعال شدن سفارتخانه‌ها در زمینه کمک به بخش خصوصی و رفع مشکلات حقوقی و اطلاعاتی و ... آنها، باید مشخص شود که استراتژی صنعتی و تجاری کشور چیست؟ ما چه کالاهایی را می‌خواهیم و چه کالاهایی را نمی‌خواهیم تولید کنیم؟ این درحالی است که به نظر می‌رسد در عمل ما همه کالاها را می‌خواهیم تولید کنیم و حتی در همه حوزه‌ها صادرکننده باشیم. اما با نگاهی به آمار و ارقام در می‌یابیم که بیشتر صادرات کشورمان مواد خام است. حتی وقتی صحبت از این می‌شود که نباید تک‌محصولی باشیم، به صادرات گاز می‌اندیشیم. اما باید این نکته را مشخص کرد که آیا صادرات مواد خام اعم از نفت، گاز، مواد معدنی خام توجیه اقتصادی دارد؟ اگر بخواهیم ارزش‌افزوده این مواد در داخل کشور بماند، چه مکانیسمی لازم است؟ چگونه می‌توان همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای دیگر را انجام داد؟ در زمینه واردات نیز بیشتر کالاهای وارداتی ما کالاهای استراتژیک از قبیل گندم، کنجاله، سویا و ... هستند، درحالی که این موضوع بحث اقتصاد مقاومتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در صورتی که گشایشی در بحث تحریم‌ها به‌وجود آید، ممکن است در برهه‌ای این مسائل مغفول واقع شود و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت موضوعات کم‌اهمیت که مزیتی برای کشور محسوب نمی‌شود، بروند. اما درحال حاضر و در شرایط تحریم بحث انتقال پول توسط شرکت‌های خصوصی، دولتی و LC مطرح است که گلوگاه تولید ما را نشانه گرفته و باید مشخص کرد که این مسائل باید به چه صورت باشد؟

**آقای بدری:** یکی از مذاکرات اساسی ما با هیئت‌های اعزامی از کشورهای دیگر همین مسئله انتقال پول است، زیرا در صورت عدم انتقال پول تجارت از بین خواهد رفت. در این خصوص هر یک از کشورها راه‌حل خود را پیدا کرده‌اند که بنده نمی‌توانم در اینجا مطرح کنم. برای مثال سطح روابط ما با ترکیه از ۱۵ میلیارد به سوی ۳۰ میلیارد دلار می‌رود و این نشان می‌دهد که امکاناتی در روابط اقتصادی دوجانبه وجود دارد. ایتالیا، فرانسه، سوئد و ... همه به دنبال راه‌حلی برای این مشکل هستند. همان‌طور که مطرح شد بحرانی که در اروپا وجود دارد بسیار جدی و شدید است و همه فرصت‌ها گرفته شده است و آنها به بازار ما چشم دوخته‌اند چراکه به نظر آنان ایران یک قطب اقتصادی محسوب می‌شود و تجارت با کشورهای همجوار ما

مانند تاجیکستان، آذربایجان و افغانستان و ... باید از طریق ایران صورت بگیرد. بنابراین به نظر می‌رسد در شرایط پس از توافق هسته‌ای ما با یک سونامی ورود هیئت‌های متعدد خارجی و سرمایه‌گذاران روبرو خواهیم بود که در صورت عدم آمادگی، پاسخ معکوس خواهیم گرفت.

سازماندهی هیئت‌های تجاری، بازدید آنها از مناطق آزاد، صنایع خودروسازی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های خصوصی و ... باید از طریق کارشناسانی که به این موضوع آگاهی و تسلط دارند صورت بگیرد. اما باید این نکته را نیز بدانیم که در کشورهای دیگر مانند فرانسه یک دپارتمان برای این موضوع وجود دارد که در حدود ۱۰۰ کارشناس به هیئت‌های تجاری رسیدگی می‌کنند. در حال حاضر ما در صدد هستیم ساختار را تغییر دهیم و به این سمت سوق پیدا کنیم.

نکته دیگر اینکه نباید به مسائل به صورت بخشی نگاه کرد. در حالی که در صورت داشتن رویکرد فرابخشی می‌توان از فرصت‌های مختلف استفاده کرد. به این معنی که سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف باید از منافع کوتاه‌مدت و بخشی خود به نفع منافع بلندمدت و فرابخشی صرف‌نظر کنند. مسئله دیگر بحث روایت است که می‌تواند به صورت دوجانبه صورت گیرد که این مسئله می‌تواند توریسم سلامت و ... را افزایش یابد. این مباحث در ستاد راهبردی وزارت امور خارجه می‌تواند در سطح کلان هماهنگ شده و حل و فصل شود. در شرایط پساتحریم سازمان توسعه تجارت می‌تواند استراتژی خود را با کشورهای دیگر مشخص کند و با گذاشتن شروطی برای شرکت‌ها و متمرکز کردن آنها، کنترل امور را در دست گیرد و این باعث می‌شود خود آن شرکت‌ها راه معامله را پیدا کنند.

**آقای امیری (مدیرگروه سیاست خارجی):** در بحث فعال کردن سفارتخانه‌ها و اعزام رایزنان بازرگانی و افرادی که به خارج از کشور برای تسهیل امور اقتصادی می‌روند، به نظر می‌رسد تعداد رایزنان ایران (۱۱ نفر در کل جهان) به نسبت کشورهایمانند کره که در حدود ۸ نفر رایزن تنها در ایران دارد، بسیار کم است. آیا فکر نمی‌کنید برای حل این مشکلات باید تدابیر ویژه‌ای اتخاذ کرد؟

**آقای بدری:** در این خصوص مهمترین مشکل ما مشکلات مالی بوده است. در سال گذشته حدود ۵ نفر را به کشورهای همسایه اعزام کردیم و این رقم در حال افزایش است. برای مثال فردی به روسیه اعزام می‌شود و علاوه بر آن نماینده‌ای را هم به آستاراخان ارسال می‌کنیم. به کشور چین نیز دو نفر، یکی شانگهای و دیگری به پکن اعزام خواهند شد. در کشورهای ویتنام، ترکیه، عراق و افغانستان و ... افرادی اعزام شده و یا اعزام خواهند شد. اما از آنجایی که در کشورهای اروپایی همه مناسبات اقتصادی شفاف و واضح است و اطلاعات به سهولت در اختیار است، بجز ایتالیا افراد زیادی اعزام نشده‌اند. علاوه بر اینها به کشورهای همسایه، کشورهای آفریقایی، آسیای جنوب شرقی، کشورهای CIS مانند





بلاروس، ازبکستان، روسیه و اوکراین نیز افرادی اعزام خواهند شد. این رایزنان بازرگانی لازم است به حدود ۳۰ نفر برسند. در برخی کشورها نیز باید شعبه جداگانه تأسیس نماییم. این رایزن‌ها وظایف متعددی دارند که از جمله این وظایف تحلیل بازار و حل مشکل تجار است. اما در بسیاری از کشورها مشکلات بسیار است و از یک رایزن به تنهایی نمی‌توان انتظار زیادی داشت اما تا جایی که مقدور باشد تلاش می‌کنیم که استفاده بهینه از آنها صورت بگیرد.

**آقای امیری:** از شما تقاضا دارم به نمایندگی از سازمان متبوع خودتان بفرمایید که از وزارت امور خارجه یا دستگاه‌هایی که در ارتباط با حوزه سیاست خارجی فعال هستند، چه انتظارات مشخصی دارید؟ مشکلات، کمبودها و احتمالاً کم‌کاری‌هایی که با آنها مواجه شده‌اید چه بوده است؟ چه موانعی وجود دارد که آنها می‌توانند در مرتفع شدنشان به شما کمک کنند؟ روشن شدن این موضوعات می‌تواند یاری‌رسان کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس برای پیگیری موضوعات باشد.

**آقای بدری:** خوشبختانه در حال حاضر در فرآیند همکاری با وزارت امور خارجه مسائل و مشکلات چندانی وجود ندارد و با هم هماهنگ هستیم. اما بیش از همه بحث پیگیری و اجرایی کردن مفاد توافقات در کمیسیون‌های مشترک با کشورهاست که البته سازمان توسعه تجارت به‌طور جدی در حال پیگیری است. در این خصوص بسیاری از سفارتخانه‌ها نقطه نظرات خوبی را مطرح می‌کنند. در برخی کشورها سفرای باتجربه و برجسته‌ای وجود دارند که بر روی مسائل کاملاً شناخت داشته و نظرات خود را در تعامل کامل با رایزن‌های بازرگانی ما مطرح می‌کنند. اما متأسفانه در برخی مواقع رایزن‌های ما مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. در بحث توسعه صادرات غیرنفتی نیز بیشتر مسائل و مشکلات، داخلی است زیرا اقتصاد ما بر پایه تولیدمحوری نیست و بنابراین افزایش صادرات به معنای کاهش مصرف داخلی خواهد بود که یکی از ارکان مهم در اقتصاد داخلی بحث اقتصاد مقاومتی است. مسائلی از قبیل رقابت‌پذیری بخش خصوصی، بهره‌وری و امنیت سرمایه‌گذاری از دیگر موضوعاتی هستند که در تجارت خارجی و امور مالکیت بسیار مهم تلقی می‌شوند.

در حال حاضر ۵۷ درصد از کل بنگاه‌های ایران تک‌نفره مدیریت می‌شوند، بنابراین وقتی فعالیت‌ها کوچک می‌شوند بهره‌وری عوامل تولید کاهش پیدا می‌کند. در این صورت وقتی بنگاه‌ها به‌سوی فعالیت‌های زودبازده می‌روند، کوچک شده و این مسئله به تولید ضربه می‌زند. آن چیزی که ما دنبال می‌کنیم ایجاد بنگاه‌های بزرگ است که یکی از مسائل اساسی بخش تولید است. امنیت و حقوق مالکیت نیز از جمله مسائلی هستند که تمام هیئت‌های تجاری در این مورد از ما سؤال می‌کنند و امیدواریم این موضوع از طریق قوه قضائیه پیگیری شود.

**آقای فرشچی:** مهمترین درخواست ما از وزارت امور خارجه صدور روادید است. این مسئله مشکلات متعددی را ایجاد کرده است. برای مثال در معاملات باید روادید بلندمدت داده شود. در کشوری مانند ازبکستان ویزای کار یکساله است اما در ایران ویزا سه‌ماهه است. مأمور یا رایزن ما یک سال طول می‌کشد تا خودش را در یک کشور جدید پیدا کند، اما سفارت در آنجا مقیم است و همه اطلاعات را در اختیار دارد. بنابراین سفارتخانه‌ها حتماً باید از رایزن‌ها پشتیبانی کنند. نکته مهم دیگر بحث لابی کردن است که سفیر باید توانایی و جرئت این کار را داشته باشد، درحالی که اگر از این مسئله هراس داشته باشد که مبادا به وی تهمت اقتصادی بزنند، نخواهد توانست در حوزه اقتصادی لابی‌گری کند.

**آقای بدری:** در رابطه با بحث الحاق به سازمان تجارت جهانی، دو سال پیش WTO هفتصد سؤال برای ما مطرح کرد و دفتر تام‌الاختیار ما در آن زمان به تمام این سؤالات پاسخ داد. هم‌اکنون نیز جلساتی برگزار می‌شود که کارشناسان ما برای دوره‌های مختلف مانند تسهیل تجاری و... در آنها شرکت می‌کنند و امور تا حدود زیادی روال طبیعی خود را طی می‌کند و وضعیت تولید نیز بهتر شده است.

اما یکی از معضلات، مسئله عدم رقابت‌پذیری کالاها می‌باشد، الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم آن است که در بخش واردات نیز خیلی سخت‌گیری صورت نگیرد.

بحث تعرفه‌های ترجیحی نیز مطرح است که با هشت کشور توافق ترجیحی داریم که امیدواریم امسال این میزان افزایش یابد. دنیا به سمت توافقات منطقه‌ای پیش می‌رود که به این نوع توافقات، توافق قرن گفته می‌شود. در مورد کشور ما این مسئله وجود دارد که ما نمی‌توانیم ۳۰ سال بازار خود را بسته نگه داریم. البته این مسئله درستی است که ما نه به‌طور ناگهانی بلکه باید به‌صورت تدریجی به WTO بپیوندیم.

درخصوص نرخ‌های بهره بالا به‌نظر بنده این مسئله کاملاً ضدتولید است و تولیدکننده را مأیوس کرده و باعث می‌شود از کار تولیدی دست بکشد. پرداخت یارانه در بخش ابزارهای بازاریابی مانند نمایشگاه‌ها، در بخش هیئت‌های تجاری و... تا حدودی به بخش تولید کمک می‌کند اما در حال حاضر به دلیل شرایط انقباضی، این یارانه‌ها قطع شده است. اکنون نیز باید امکاناتی را برای تولیدکننده‌ها و صادرکننده‌ها فراهم کنیم تا در راستای رقابت‌پذیری بیشتر کالاها گام بردارند.

**خانم سلیمانی (پژوهشگر گروه سیاست خارجی):** همان‌طور که در مباحث مطرح شده بیان شد، سیاست خارجی توسعه‌گرا ابهامات مفهومی و نظری دارد. اما صرف‌نظر از این ابهامات، یکی از الزامات و ارکان مهم سیاست خارجی توسعه‌گرا، دیپلماسی اقتصادی است. کارگزاران دیپلماسی اقتصادی نیز



دیپلمات‌های اقتصادی هستند که ممکن است محدودیت‌هایی داشته باشند. بخشی از این محدودیت‌ها نیز به بخش خصوصی برمی‌گردد. بنابراین بخش خصوصی باید مستقل و قوی باشد. اما از آنجایی که در کشور ما بخش خصوصی واقعی وجود ندارد، شکل‌گیری و ایجاد آن بسترهای مختلف فرهنگی، قانونی و سیاسی را می‌طلبد و این مسئله در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم برنامه‌های بلندمدت، استراتژی مدون و اراده‌ای قوی است. اما در شرایط کنونی که آثار منفی تحریم‌ها بر اقتصاد اثر گذاشته است، در چنین شرایطی باید برنامه‌ای فوری و کوتاه‌مدت تدوین و اجرا شود که نتایج مثبت و دستاوردهایی برای ما داشته باشد. بنابراین با توجه به علمی که وزارت امور خارجه به این مسئله دارد، آیا برنامه و راهبرد مشخص، مدون و تنظیم شده‌ای در این زمینه داشته است تا این خلأ بخش خصوصی را از طریق بخش‌های اقتصادی دولتی جبران کند؟

**آقای شیرغلامی:** بحث شما در مورد الزامات اقتصادی داخلی است که باید در حوزه سیاست خارجی توسعه‌گرا به آن دست یابیم. در این زمینه اصولاً مبانی فعالیت‌های اقتصادی ما باید روشن باشد و ما بدانیم که در اقتصاد می‌خواهیم چه کار کنیم؟ و چه چیزی برای عرضه وجود دارد؟ این درحالی است که ما هنوز در مورد مزیت‌های نسبی به نتیجه نرسیده‌ایم، اینکه چه چیزی می‌خواهیم تولید کنیم؟ چه چیزی صادر کنیم؟ چرا در بعضی حوزه‌ها باید رقابت کنیم؟ هنوز مشخص نیست. اینها مباحث کلانی است که در اقتصاد کشور باید مشخص شود. در مورد وضعیت فعلی اقتصادی و رکودی که بر اقتصاد ما حاکم است، می‌توان گفت بخشی از آن به فشارهای خارجی برمی‌گردد و بخش زیادی از آن به الزامات داخلی مرتبط است. برای مثال تورم چند ده درصدی که در اقتصاد ما به وجود آمده بود، باعث شد که ما مجبور به سرکوب نقدینگی شویم تا فشار تورم از روی مردم برداشته شود و با وجود بحران نهفته‌ای که در بانک‌ها وجود دارد مجبور به تجمع نقدینگی در بانک‌ها شدیم تا مشکلات بحران بانکی کنترل گردد. درحالی که نتیجه عملی این اقدامات رکود اقتصادی است. به هر حال در عمل شرایط دشواری حاکم است که بیشتر به مسائل داخلی مرتبط است و باید حل شود.

واقعیت این است که بخش زیادی یعنی در حدود ۸۵ درصد از اقتصاد ما دولتی است. برخی بخش‌هایی هم که تاکنون به بخش خصوصی واگذار شده پشیمانی به بار آورده است. یکی از انتقاداتی که به وزارت نفت وارد است این است که سیاست‌هایش کاملاً ضد خصوصی‌سازی است. در این سیستم سیاست‌هایی که اتخاذ می‌شود کاملاً ضد تولید و صادرات است. از این رو دولت مجبور است نگاه حاکمیتی داشته باشد. درحالی که اگر بخش خصوصی قوی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به ریزن بازرگانی وجود ندارد، بلکه بخش خصوصی راه خودش را پیدا کرده و منافع خودش را کسب می‌کند. بنابراین به دلیل نگاه حاکمیتی دولت عدم شفافیت ایجاد می‌شود و دولت می‌خواهد کنترل را در دست

داشته باشد و در کارها دخالت کند. این الزام که رایزن بازرگانی داشته باشیم نیز ناشی از همین دیدگاه است. این درحالی است که وزارت امور خارجه قرار نیست کار تخصصی دیگران را انجام بدهد، بلکه این وزارتخانه دستگاهی است که متولی دیپلماسی کشور از جمله دیپلماسی اقتصادی است و تنها باید در هماهنگی با دستگاه‌های تخصصی، مسیر را هموار کرده و چالش‌ها را برطرف کند. این مسائل سبب شده تا وزارت امور خارجه با تعاملات خود با دستگاه‌ها تلاش کند هر دو بخش خصوصی و دولتی را به‌طور همزمان تقویت کند. در چارچوب ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی بیشتر هماهنگی با بخش دولتی صورت می‌گیرد کما اینکه نماینده اتاق بازرگانی هم همواره در این ستاد حضور دارد.

به‌علاوه فکر نمی‌کنم هیچ کس بیش از دیپلمات‌ها به واسطه نوع تعاملی که در دنیا تجربه می‌کنند، رویکرد تأمین منافع ملی را داشته باشد. سفرای ما واقعاً دغدغه بخش خصوصی را دارند و به جرئت می‌توان گفت با توجه به آثار تحریم، بخش زیادی از وقت سفارتخانه‌های ما در وزارت امور خارجه، صرف رفع چالش‌های بخش خصوصی و شرکت‌های خصوصی در بحث نقل و انتقال پول، تعهدات طرف خارجی و ... شده است تا بتوانند از طریق رایزنی با سفرای کشورهای دیگر، راه‌حلی را پیدا کنند.

مسئله دیگر اینکه هم بخش خصوصی و هم سازمان‌های دولتی در اقدامات خارجی خودشان و کارهایی که بیرون از کشور انجام می‌دهند، زمانی به سفارتخانه‌های ما مراجعه می‌کنند که با مشکلی مواجه می‌شوند و کمتر اتفاق می‌افتد که کاری از ابتدا با هماهنگی و مشورت سفارتخانه صورت بگیرد. این مسئله تا حدود زیادی ناشی از نگاه بخشی در کشور است که هر کسی می‌خواهد مستقل عمل کند.

در مورد صدور روادید نیز باید گفت که این یک مسئله بسیار پیچیده حاکمیتی است، زیرا تجربه نشان داده لغو این‌گونه روادید آثار و ملاحظات سیاسی بسیاری به‌دنبال دارد.

### جمع‌بندی

همان‌طور که بیان شد، در دهه‌های اخیر با افزایش وابستگی متقابل کشورها بخش مهمی از منافع ملی یا هدف‌های کلان دیپلماسی یا سیاست خارجی، اهداف اقتصادی است. گرایش دولت‌ها به توسعه رفاه اقتصادی در داخل باعث شده است که اهداف و منافع اقتصادی و بازرگانی اهمیت و برجستگی بالایی برای کشورها در حوزه سیاست خارجی پیدا کند. این نکته اهمیت دیپلماسی اقتصادی یا تجاری را در دنیای امروز آشکار می‌سازد. در این میان ایران در وضعیت خاصی به‌سر می‌برد. زیرا از یکسو ضرورت توسعه اقتصاد داخلی، مهار تورم و تقویت بخش خصوصی و رشد تولید اهمیت بسزایی دارد و از سوی دیگر شرایط بین‌المللی و تأثیر تحریم‌های اقتصادی در سال‌های اخیر بر نوع رابطه با کشورهای دیگر و تجارت



خارجی ایران و به تبع آن تأثیرگذاری بر فرآیند توسعه داخلی توجهات را به خود جلب کرده است. به طور کلی مهمترین محورها و موضوعاتی که در نشست کارشناسی پیرامون سیاست خارجی توسعه‌گرا مورد بررسی قرار گرفت را می‌توان در سه محور ذیل تشریح کرد:

۱. مهمترین مسئله، تدوین استراتژی کشور در حوزه اقتصاد است و اینکه در فرآیند توسعه داخلی استفاده از تجربه کشورهای دیگر از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای مثال کلید توسعه صنعتی در کره جنوبی، شناسایی بخش‌های اولویت‌دار آینده براساس مزیت‌های رقابتی بوده است. در این زمینه صادرات کالاهای دانش‌بنیان به دلیل برخورداری از ارزش افزوده بالا، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر، مناطق آزاد و... تقویت بخش خصوصی، عدم تصدیگری دولت، ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذار بزرگ اقتصادی و سودده در بخش تولید کشور، رقابت‌پذیری در محیط رقابتی شفاف، اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و در نهایت ایجاد جو همکاری در کشور باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

۲. مسئله مهم دیگر بررسی شرایط اقتصادی کشور و سناریوسازی در شرایط پساتحریم است. بررسی تأثیر شرایط پساتحریم بر سیاست‌های کلان اقتصادی کشور، تعیین اولویت‌های روابط اقتصادی خارجی کشور در شرایط کنونی مانند الحاق به سازمان تجارت جهانی، توجه به رویکرد شرکای خارجی و علاقمند به کار، توجه به رویکرد فناوری‌محور و سرمایه‌محور با شرکا، از مهمترین مواردی هستند که باید به آنها توجه ویژه مبذول شود. به علاوه باید توجه داشت که هرگونه مذاکرات سیاسی با کشورهای دیگر در نهایت باید به انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک خارجی و سرانجام تقویت بخش تولید در کشور بیانجامد.

۳. علاوه بر این مسائل، برقراری ارتباط منسجم و منظم میان نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط اقتصادی داخلی با یکدیگر و با کشورهای مختلف به صورت سیستمی و عدم اتکاء به اشخاص یا نهادهای خاص اقتصادی و جلوگیری از اقدامات اقتصادی پراکنده و بخشی مورد تأکید ویژه‌ای قرار می‌گیرد.

در این میان وزارت امور خارجه کارکرد و اهمیت ویژه‌ای دارد که لازم است چالش‌ها و معضلات موجود و راهکارهای مورد نیاز کشور هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی در دفتر هماهنگی و راهبرد امور اقتصادی و ستاد هماهنگی‌های روابط اقتصادی خارجی این وزارتخانه مورد بررسی قرار گیرد. سازمان توسعه تجارت نیز به عنوان یکی از دستگاه‌های اقتصادی داخلی و زیرمجموعه وزارت صنعت، معدن و تجارت باید از طرق مختلف مانند تشکیل کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و بازرگانی، اعزام هیئت‌های اقتصادی و رایزن‌های بازرگانی به کشورهای دیگر، طراحی نقشه راه تعاملات اقتصادی و ایجاد شرکت‌های بزرگ صادراتی، در پیشبرد تجارت خارجی مطلوب و کارآمد ایفای نقش کند. همچنین اتاق بازرگانی ایران به عنوان عالی‌ترین نهاد بخش خصوصی لازم است به منظور ترسیم نقشه راه مناسبات فراملی اقتصادی و هدایت سرمایه‌گذاری از خارج به داخل کشور در چارچوب سیاست‌های موجود، با نهادهای مرتبط به‌ویژه سازمان توسعه تجارت همکاری داشته باشد.





مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۴۳۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: گزارش نشست تخصصی «وظایف، الزامات و نقش نهادها و دستگاه‌های اقتصادی داخلی در پیشبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا»

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تنظیم: سمانه احمدخان‌بیگی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. سیاست خارجی

۲. توسعه اقتصادی

۳. سازمان توسعه تجارت

۴. اتاق بازرگانی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۶/۱۵